

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

من تسلیت عرض می کنم به محضر مقدس خاتم الاوصیاء بقیة الله الاعظم و به همه شیعیان و انسان های صالح، واقعه ای را که 100 سال پیش توسط جمعی وحشی نسبت به بقیع مقدس رخ داد. انشالله که منتقم و ولی قدرت خواهد آمد و آنچه که شایسته است انجام خواهد داد.

بحثی که با شما داریم مطابق آنچه که دربرگه آوردیم عنوانش این است: التركيز علی محل النزاع غیر مامرّ واحتمال کون النزاع غیر واقعاً فی نهاية الامر؛ انشالله که بحث های دو جلسه قبل را گوش کردید و الا کار مشکل می شود. قبل از اینکه بحث امروز را مطرح کنیم به سوالی که یکی از فضلا کلاس کرده اند بپردازیم.

سوال: استاد می توان نزاع در مقدمه واجب را اینگونه تصور نمود که آیا اراده اتیان واجب ملازمه با اراده و شوق تام به مقدمه آن دارد یا خیر؟ به بیان دیگر آیا اراده اتیان به ذی المقدمه به اتیان مقدمه ترشح می کند یا تنها شارع نسبت به ذی المقدمه اراده دارد و اتیان مقدمه، صرفاً لابدیت عقلی و تکوینی دارد و این مساله واقعاً جای بررسی دارد. این نزاع قابل تصویر است و دارای ثمره است که ثمره آن در دو خطاب انقاز غریق و لاتغصب نمایان می شود که اگر قائل به اراده و حب تام شارع نسبت به مقدمه شدید خطاب انقذ با لا تغصب تعارض می کند چون غصب مقدمه انقاز غریق است اما اگر قائل به عدم وجوب شدید تعارضی در میان نیست اگر نزاع در مقدمه واجب را به مجرد حکم و اعتبار وجوب دانستیم همانطور که فرمودید هیچ ثمره ای بر آن مترتب نیست در حالی که به نظر می رسد مساله را در علمی مثل اصول با توجه به ثمرات آن باید تصویر نمود. از این رو به نظر می رسد مساله اصولی آن صرف مجرد اعتبار وجوب نیست چرا که اثری ندارد بلکه مساله در اراده شارع نسبت به مقدمه است که ذو اثر است.

پاسخ: من از مستشکل سوال می کنم آیا در اینکه اگر کسی اراده کرد ذی المقدمه را اراده مقدمه را هم کرده شک دارید؟ (ما در اینجا با یک واقع مجهولی مواجه نیستیم)

شما شرع مقدس را کنار بگذارید و به سراغ قانون گذاران در سراسر دنیا بروید؛ اگر قانون گذاری چیزی را از شهروند بخواهد و توجه هم داشته باشد که این ذی المقدمه مقدماتی دارد آیا اراده به مقدمات ندارد! به همین خاطر اگر مکلف از مولا بپرسد شما که می گویی برو پشت بام آیا نردبان هم بیاورم یا نه؟ این سوال جای بحث ندارد و واضح است که مقدمات هم خواسته شده است. سائل محترم اینکه می گوید آقایان این را می خواستند بگویند و... خب کتب آقایان موجود است ببینید آیا بحث در مورد ترشح وجوب ذی المقدمه به مقدمه است یا بحث بر سر جعل و اعتبار است. اتفاقاً هر دو نیز در کتب آقایان دیده می شود. شک نکنید که بحث سر اعتبار شرعی است و الا حب، اراده و علاقه قانون گذار به مقدمات در وقتی که ذی المقدمه متوقف بر مقدمه است محل بحث نیست.

در جلسه شنبه ما عرض کردیم مراد از وجوب در مقدمه واجب چه وجوبی است؟ گفتیم وجوب عقلی، وجوب طریقی شرعی محل بحث نیست و... بلکه وجوب غیری مقدمی محل بحث است.

امروز می خواهیم یکبار دیگر محل نزاع را از جهت دیگر روشن کنیم. سوال این است که آیا محل نزاع در تعلق حب و اراده است آیا در اعتبار شرعی است؟ و شاید ثمره این ترکیب این باشد که نزاع در اینجا نزاع واقعی نیست.

ما وقتی که در متون و کلمات تتبع می کنیم (من در دور اول وقت مفصلی را در این بحث گذاشتم) می بینیم بحث در لابدیت

عقلی مقدمه واجب نیست شما فکر می کنید منکران می خواهند بگویند مقدمه واجب، وجوب و لابدیت عقلی ندارد. (هرگز چنین نمی گویند)

وقتی تتبع می کنیم متوجه می شویم بحث بر سر اراده شارع حب شارع بر مقدمه نیست. یعنی کسی که منکر وجوب است منکر اراده و حب نیست.

چیزی که محل بحث است این است که وقتی قانون گذار اعتبار، جعل، انشا می کند وجوب عملی را آیا از دلیل این وجوب جعل شرعی به مقدمات می خورد یا نه؟ اگر وجوب ترشح کند می شود وجوب شرعی غیري باحث باید توجه کند در مساله چه چیزی محل بحث نیست و چه چیزی محل بحث است.

یک باحث موفق، باید گلوگاه بحث را پیدا کند اگر گلوگاه پیدا نشود ممکن است کسی به یمین و یسار بزند اما به جای نرسد اما اگر گلوگاه را بیابد بحث کوتاه می شود فنی می شود به هدف هم می رسد.

حال که محل بحث معلوم شد قول حق تمایل به عدم وجوب پیدا می کند. ما اگر بخواهیم قائل به وجوب شویم باید مساله لغویت را حل کنیم تازه لغویت را که حل کردیم باید دلیل بیاوریم. ما از گام اول حس لغویت داریم شارع مقدس وقتی نماز را جعل می کند آیا مقدماتی مثل وضو و طهارت، روبه قبله بودن، آستین را بالا زدن برای وضو، و... را هم واجب شرعی می کند؟ آیا ما در نماز با 50 واجب شرعی مواجهیم؟

لابدیت عقلیه غصب که از انقذ فهمیده می شود (در مثال مستشکل) تعارض می کند با حرمت غصب لذا هر بحثی که در تعارض شرعی داشته باشیم در تعارض حکم شرعی با لزوم عقلی هم خواهیم داشت و ثمره ای مترتب نمی شود. حتی وجوب شرعی مقدمه واجب مفید تاکید هم نیست.

الحمد لله رب العالمین